

## رابطه‌ی بین هوش‌های چندگانه و هوش هیجانی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه

فاطمه نادى نجف‌آبادی<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

دکتر غلامحسین مکتبی

استادیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر سید اسماعیل هاشمی شیخ‌شانی

دانشیار روان‌شناسی صنعتی و سازمانی دانشگاه شهید چمران اهواز

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش، تعیین رابطه‌ی بین هوش‌های چندگانه و هوش هیجانی در دانش‌آموزان بود. نمونه‌ی پژوهش شامل ۲۰۰ دانش‌آموز (۱۰۰ دانش‌آموز دختر و ۱۰۰ دانش‌آموز پسر) می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مورد نظر از مقیاس اندازه‌گیری رشد هوش‌های چندگانه‌ی شرر (۱۹۹۶) و هوش هیجانی شات (۱۹۹۸) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که هوش‌های موسیقیایی، زبانی و میان‌فردی با هوش هیجانی همبستگی مثبت معنی‌دار و بین هوش‌های ریاضی و درون‌فردی با هوش هیجانی همبستگی منفی معنی‌دار دارند. بین هوش‌های بدنی، فضایی و طبیعت‌گرایانه با هوش هیجانی همبستگی معنی‌داری به دست نیامد. همچنین، نتیجه‌ی رگرسیون گام به گام نشان داد که هوش‌های میان‌فردی، بدنی، درون‌فردی، زبانی و فضایی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی هوش هیجانی دانش‌آموزان به شمار می‌روند. مقدار بالای توانایی هوش میان‌فردی و درون‌فردی در پیش‌بینی هوش هیجانی، نشان‌دهنده‌ی توانایی مدیریت احساسات خود و درک مهارت‌های اجتماعی در روابط با دیگران است. همچنین، می‌توان با تقویت هوش میان‌فردی و درون‌فردی افراد دارای هوش هیجانی پایین، توانایی این افراد را در هوش هیجانی افزایش داد و از این راه به بهبود مهارت‌های اجتماعی ایشان کمک نمود.

**واژه‌های کلیدی:** هوش‌های چندگانه، هوش درون‌فردی، هوش میان‌فردی، هوش هیجانی.

۱. نویسنده مسئول.

## مقدمه

هوش و مسائل مرتبط با آن یکی از مسائلی است که توجه مربیان و پژوهش‌گران را به خود جلب نموده است. مفهوم هوش تاکنون روندی تکاملی طی کرده و از یک مفهوم یگانه (به نقل از سیمونز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) به یک مفهوم چند بعدی با اشکال مختلف تبدیل شده است (گاردنر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳). در این بین، نظریه‌ی هوش‌های چندگانه<sup>۳</sup> ی گاردنر (۱۹۸۳، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۶) شرایط جدیدی برای درک هوش انسان و پدید آمدن دیدگاه‌های قوی در فرایند آموزش و پرورش به‌وجود آورده (کومنینو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰) و کارکردهای مهمی در تعلیم و تربیت دارد (آرمسترانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷).

گاردنر (۱۹۹۳ و ۲۰۰۶)، در کتاب خود با عنوان «چهارچوب‌های ذهن»، هوش را به‌عنوان «توانایی زیستی-روانی پردازش اطلاعاتی که می‌تواند در یک موقعیت فرهنگی منجر به حل مسئله یا خلق محصولات شود که در یک فرهنگ با ارزش‌اند»، تعریف کرده است. نظریه‌ی گاردنر (۱۹۹۳) هوش را به هوش‌های کلامی-زبانی<sup>۶</sup>، منطقی-ریاضی<sup>۷</sup>، موسیقایی-موزون<sup>۸</sup>، دیداری-فضایی<sup>۹</sup>، بدنی-جنبشی<sup>۱۰</sup>، میان‌فردی<sup>۱۱</sup>، درون‌فردی<sup>۱۲</sup> و طبیعت‌گرایانه<sup>۱۳</sup> تقسیم کرده (به نقل از بیچنر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۱) و در یکی از آثار خود (۱۹۹۹) به معرفی هوش معنوی<sup>۱۵</sup> و هوش وجودی (هستی‌گرایانه)<sup>۱۶</sup> نیز پرداخته است. منظور او از طرح این هوش‌ها، اذعان به وجود «توانایی اندیشیدن درباره‌ی پرسش‌های بزرگ مربوط به معنای زندگی است» (به نقل از سیف،

1. Simmons
2. Gardner
3. multiple intelligences of theory
4. Komninou
5. Armstrong
6. verbal.linguistic intelligence
7. logical.mathematical intelligence
8. musical.rhythmic intelligence
9. visual.spatial intelligence
10. bodily.kinesthetic intelligence
11. interpersonal intelligence
12. intrapersonal intelligence
13. naturalist intelligence
14. Beichner
15. spiritual intelligence
16. existential intelligence

۱۳۸۹). وی، در نظریه‌اش به نقش هوش میان‌فردی اشاره کرده و آن را توانایی و مهارت ارتباط با دیگران و تشخیص جنبه‌های گوناگون رفتار دیگران تعریف کرده است. بخش دیگری از این نظریه، هوش درون‌فردی است که توانایی اندیشیدن درباره‌ی خود و شناخت توانایی‌های خویشتن (فراشناخت) تعریف شده است (گاردنر، ۲۰۰۶).

هوش‌های درون‌فردی و میان‌فردی، الهام‌بخش مفهوم هوش هیجانی شدند. هوش هیجانی سازه‌ای است که توسط سالووی و مایر<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) پیشنهاد شده است. بعضی از پژوهشگران هوش هیجانی را نوعی توانایی متشکل از ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و مدیریت هیجان‌ها در خود و دیگران می‌دانند (سالووی و مایر، ۱۹۹۰؛ مایر و سالووی، ۱۹۹۷). بار-آن<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، هوش هیجانی را به‌عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی می‌داند که توانایی‌های فرد را در برخورد موفقیت‌آمیز با مقصیبات و فشارهای محیطی افزایش می‌دهد.

اگرچه گاردنر (۱۹۸۳، ۱۹۹۳، به نقل از وادل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹) در نوشته‌های خود از اصطلاح هوش هیجانی استفاده نکرد، تأثیر مفاهیم هوش درون‌فردی و هوش بین‌فردی وی در مدل‌های بعدی هوش هیجانی آشکار است. گاردنر (۱۹۹۳، به نقل از وادل، ۲۰۰۹) اظهار داشت که مدیران موفق احتمالاً هوش بین‌فردی بالاتری دارند که آن را به صورت «توانایی فهم دیگران یعنی این که چه چیزی آن‌ها را بر می‌انگیزاند، چگونه کار می‌کنند، چگونه می‌توان با آن‌ها همکاری کرد» تعریف نمود. او هم‌چنین هوش درون‌فردی را به صورت «ظرفیتی برای درک مدلی دقیق از خود و توانایی استفاده از آن مدل برای عملکرد مؤثر در زندگی» تعریف نمود. علاوه بر این، وی اظهار دارد که این هوش به فرد راجع به هیجان‌ها و ظرفیت تمایز بین این هیجان‌ها، نام‌گذاری و بازیابی آن‌ها به منظور فهم و هدایت رفتار وی، آگاهی می‌دهد.

1. Salovey & Mayer

2. Bar On

3. Waddell

شرر<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، در پژوهشی که به بررسی ارتباط بین هوش‌های چندگانه و هوش هیجانی پرداخت؛ همان‌گونه که انتظار می‌رفت، بیش‌ترین ارتباط بین هوش‌های درون‌فردی و میان‌فردی با هوش هیجانی به‌دست آورد. هوش زبانی هم رابطه‌ی بالا و هوش ریاضی ارتباطی در سطح متوسط با هوش هیجانی داشتند. هوش‌های طبیعت‌گرایانه، فضایی، بدنی و موسیقی کمترین ارتباط را با هوش هیجانی داشتند.

این پژوهش در پی آن است که دو پرسش را بررسی کند: اول این که چه رابطه‌ای بین هوش‌های چندگانه و هوش هیجانی وجود دارد؟ دوم این که این دو نظریه به‌صورت یک‌پارچه عمل می‌کنند یا هر کدام به‌طور منحصر به‌فرد می‌باشند؟ با شناسایی رابطه‌ی این دو هوش، می‌توان ابعادی از هوش چندگانه را که توان پیش‌بینی‌کنندگی هوش هیجانی را دارد شناسایی نمود و با رشد آن‌ها به بالا بردن هوش هیجانی کمک نمود. هم‌چنین، این پژوهش اولین پژوهش در ایران در جهت بررسی رابطه‌ی هوش‌های چندگانه و هوش هیجانی می‌باشد، که این خود می‌تواند به نو بودن این موضوع در ایران بینجامد. از سویی، با توجه به پیشینه‌ی این پژوهش می‌توان مشاهده نمود که پژوهش‌های خارجی در رابطه با این موضوع نیز بسیار کم می‌باشد که این پژوهش می‌تواند به غنای این موضوع بیفزاید.

## روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی و با روش همبستگی است.

**جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری:** جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های شهر اهواز است که در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بودند، ۲۰۰ نفر (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

## ابزار پژوهش:

**مقیاس اندازه‌گیری رشد هوش‌های چندگانه<sup>۱</sup> (MIDAS):** مقیاس اندازه‌گیری رشد هوش‌های چندگانه (MIDAS) تدوین‌یافته توسط شرر (۱۹۹۶)، یک مقیاس اندازه‌گیری خودگزارشی از وضعیت هوشی فرد است که توسط خود فرد یا افراد دیگری هم‌چون پدر و مادریا معلم که اطلاعات کافی درباره‌ی فرد دارند، کامل می‌شود. این مقیاس ۱۱۹ سؤالی دریک مقیاس ۶ لیکرتی تدوین‌یافته و آزمودنی گزینه‌ای را که آن‌ها را بهتر توصیف می‌کند انتخاب می‌نمایند. این آزمون ۸ خرده‌مقیاس هوش‌های چندگانه را مورد بررسی قرار می‌دهد (شرر، ۱۹۹۶) و هوش وجودی‌گرایانه را که به‌تازگی به فهرست هوش‌های چندگانه اضافه شده را در برنمی‌گیرد. لازم به ذکر است که نمره‌های این آزمون مطلق نیست و در طول زندگی فرد تغییر می‌کند (احمدیان و حسینی، ۲۰۱۲).

پایایی این آزمون توسط شرر (۱۹۹۶) با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۷ در آزمون و در باز آزمون بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۲ به‌دست آمد. هم‌چنین، در ایران پیش‌قدم و معافیان (۲۰۰۸)، ضریب پایایی کل پرسش‌نامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ برآورد کردند. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۵ به‌دست آمد و ضرایب خرده‌مقیاس‌های این آزمون در هوش‌های موسیقی ۰/۸۸، حرکتی ۰/۷۱، منطقی ۰/۹۱، فضایی ۰/۸۸، زبانی ۰/۹۲، درون‌فردی ۰/۸۱، میان‌فردی ۰/۹۰ و طبیعت‌گرایانه ۰/۸۸ می‌باشد. هم‌چنین، روایی این پرسش‌نامه با استفاده از روایی سازه برای خرده‌مقیاس‌های هوش‌های موسیقایی ۰/۶۶، بدنی ۰/۵۷، ریاضی ۰/۷۵، فضایی ۰/۶۷، زبانی ۰/۶۷، میان‌فردی ۰/۷۰، درون‌فردی ۰/۷۱ و طبیعت‌گرایانه ۰/۶۲ به‌دست آمد که همگی در سطح  $p > 0.001$  معنی‌دار می‌باشد.

**مقیاس هوش هیجانی شات<sup>۲</sup> (SSREI):** این مقیاس شامل ۳۳ ماده است که توسط شات، مالوف، هال، هاگرتی، کوپر و دورنهایم<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) به‌منظور سنجش مؤلفه‌های هوش هیجانی، براساس مدل سالوی و مایر (۱۹۹۰)، تهیه شده است. این مقیاس اگر چه در

1. Multiple Intelligences Developmental Assessment Scales (MIDAS)

2. Schutte Self-Report Emotional Intelligence

3. Hall, Haggerty, Cooper & Dornheim

برگیرنده‌ی مؤلفه‌های هوش هیجانی (مدیریت، بهره‌وری و ارزیابی عواطف) است، ولی فقط یک نمره‌ی کلی دارد. در مقابل هر سؤال طیف پنج‌گزینه‌ای از نمره‌ی ۱ (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) در نظر گرفته شده است. سؤال‌های شماره‌ی ۵، ۸ و ۲۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. پایایی این مقیاس توسط جوکار (۱۳۸۶)، ۰/۸۹ گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی، با استفاده از روش آلفای کرونباخ، برای کل پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی ۰/۷۵ به دست آمد. برای روایی پرسش‌نامه از روایی سازه که از همبسته نمودن یک سؤال با سایر سؤالات حاصل می‌شود ۰/۶۵ حاصل شد.

**روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:** پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-۱۶، در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح استنباطی از روش تحلیل رگرسیون گام به گام و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

## یافته‌ها

یافته‌های توصیفی مربوط به ابعاد هوش‌های چندگانه و هوش هیجانی در جدول شماره‌ی ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی

هوش‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
موسیقایی	۴۵/۱۷	۲۲/۵۱
بدنی	۴۹/۴۸	۳۰/۱۳
ریاضی	۶۲/۱۹	۲۳/۴۱
فضایی	۸۰/۲۶	۱۳/۶۸
زبانی	۴۵/۹۵	۲۱/۱۶
میان‌فردی	۵۹/۳۳	۲۴/۰۸
درون‌فردی	۶۲/۴۹	۱۲/۲۴
طبیعت‌گرایانه	۴۰/۹۲	۲۳/۰۳
هیجانی	۱/۳۷۳	۲۰/۱۸

ضرایب همبستگی بین ابعاد هوش‌های چندگانه و هوش هیجانی در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

**جدول ۲. ضرایب همبستگی ابعاد هوش‌های چندگانه با هوش هیجانی**

متغیر ملاک (هوش هیجانی)		متغیرهای پیش‌بین
P	R	
۰/۰۰۵	۰/۱۹	هوش موسیقایی
۰/۰۸۸	۰/۱۲	هوش بدنی
۰/۰۰۱	-۰/۲۴	هوش ریاضی
۰/۰۶۷	-۰/۱۳	هوش فضایی
۰/۰۰۱	۰/۲۲	هوش زبانی
۰/۰۰۰	۰/۳۴	هوش میان‌فردی
۰/۰۲۹	-۰/۱۵	هوش درون‌فردی
۰/۰۶۲	۰/۱۳	هوش طبیعت‌گرایانه

برای بررسی بهتر پیش‌بینی‌کنندگی هر کدام از ابعاد هوش‌های چندگانه تحلیل رگرسیون به روش گام به گام انجام گرفت. جدول ۳، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی مربوط به متغیرهای پیش‌بین (میان‌فردی، بدنی، درون‌فردی، زبانی و فضایی) با هوش هیجانی دانش‌آموزان را با روش گام به گام نشان می‌دهد.

**جدول ۳. رگرسیون چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین با هوش هیجانی با روش گام به گام (Stepwise)**

ضرایب رگرسیون (B و $\beta$ )					F P	RS	MR	آماره پیش‌بین
۵	۴	۳	۲	۱				

				$\beta=0/343$ $B=0/288$ $t=5/14$ $p=0/000$	$F=26/485$ $p=0/000$	0/118	0/343	میان‌فردی
			$\beta=0/243$ $B=0/163$ $t=3/58$ $p=0/000$	$\beta=0/415$ $B=0/348$ $t=6/11$ $p=0/000$	$F=20/449$ $p=0/000$	0/172	0/415	بدنی
		$\beta=0/251$ $B=0/414$ $t=2/14$ $p=0/033$	$\beta=0/188$ $B=0/126$ $t=2/61$ $p=0/010$	$\beta=0/602$ $B=0/505$ $t=5/46$ $p=0/000$	$F=15/415$ $p=0/000$	0/191	0/437	درون‌فردی
	$\beta=0/218$ $B=0/208$ $t=-2/23$ $p=0/027$	$\beta=0/322$ $B=0/530$ $t=2/67$ $p=0/008$	$\beta=0/230$ $B=0/154$ $t=3/12$ $p=0/002$	$\beta=0/823$ $B=0/690$ $t=5/59$ $p=0/000$	$F=13/044$ $p=0/000$	0/211	0/459	زبانی
$\beta=-0/229$ $B=-0/337$ $t=-2/12$ $p=0/035$	$\beta=0/349$ $B=0/333$ $t=-3/04$ $p=0/003$	$\beta=420$ $B=0/692$ $t=3/28$ $p=0/001$	$\beta=0/330$ $B=0/221$ $t=3/79$ $p=0/000$	$\beta=0/884$ $B=0/741$ $t=5/94$ $p=0/000$	$F=11/527$ $p=0/000$	0/229	0/479	فضایی

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، طبق نتایج حاصل از رگرسیون با روش گام به گام از میان متغیرهای پیش‌بین (هوش‌های موسیقایی، بدنی، ریاضی، فضایی، زبانی، میان‌فردی، درون‌فردی و طبیعت‌گرایانه) به ترتیب متغیرهای (هوش‌های میان‌فردی، بدنی، درون‌فردی، زبانی و فضایی) پیش‌بینی‌کننده‌ی هوش هیجانی هستند و سایر متغیرهای هوش‌های موسیقایی، ریاضی و طبیعت‌گرایانه در پیش‌بینی هوش هیجانی نقش چندانی ایفا نمی‌کنند. ضریب همبستگی چندگانه و معذور آن برای ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین به ترتیب ( $MR=0/479$ ) و ( $RS=0/229$ ) می‌باشد.



## بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی هوش‌های چندگانه و هوش هیجانی بود. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۲، هم‌بستگی بین هوش موسیقایی و هوش هیجانی  $I=0/19$  در سطح  $p=0/005$  معنی دار می‌باشد که با نتیجه‌ی پژوهش شرر (۲۰۰۶) همخوان می‌باشد. در تبیین این رابطه می‌توان گفت که افراد می‌توانند با گوش دادن به یک موسیقی بین عواطف خود و آن موسیقی یک ارتباط عاطفی قوی ایجاد کنند و از سویی می‌توانند از شنیدن آن موسیقی لذت ببرند. هم‌چنین، یک آهنگساز با نواختن یک آلت موسیقی و یا آهنگ، عواطف و احساسات موجود در ذهن خود را بیان می‌کند.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد هم‌بستگی بین هوش بدنی و هوش هیجانی،  $I=0/12$  که در سطح  $p=0/001$  معنی دار نمی‌باشد. این نتیجه با پژوهش شرر (۲۰۰۶)، ناهمخوان می‌باشد. افراد می‌توانند از حرکات بدنی و اعضای بدن خود برای انجام فعالیت‌هایی استفاده کنند که اهداف آن‌ها را تأمین نماید و از این‌رو به هوش هیجانی خود کمک نمایند. ولی در این پژوهش بین هوش بدنی و هوش هیجانی هم‌بستگی مشاهده نشد و این نتیجه را می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی مربوط دانست.

با توجه به نتایج جدول دو، هم‌بستگی بین هوش ریاضی و هوش هیجانی  $I=0/24$  در سطح  $p=0/001$  معنی دار می‌باشد که با نتیجه‌ی پژوهش شرر (۲۰۰۶) همخوان می‌باشد. می‌توان گفت از آن‌جا که افراد دارای هوش ریاضی دارای مهارت‌های انتقادی و حل مسئله می‌باشند و با استفاده از استدلال منطقی، توانایی مدیریت احساسات خود می‌باشند مشکلات روزمره‌ی خود را حل کنند، هم‌چنین، توانایی ریاضی و منطقی زمانی افزایش می‌یابد که فرد دارای توانایی مدیریت احساسات خود باشد.

با توجه به نتایج جدول دو، هم‌بستگی بین هوش فضایی و هوش هیجانی  $I=0/13$  در سطح  $p=0/001$  معنی دار نمی‌باشد که با نتایج پژوهش شرر (۲۰۰۶)، ناهمخوان می‌باشد. هوش فضایی برای تفکر در تصاویر، درک جهان بصری و ایجاد جنبه‌های بصری تخیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. این‌گونه افراد در برقراری روابط هیجانی با دیگران روابط قوی نمی‌توانند داشته

باشند. با توجه به نتایج جدول ۲، هم‌بستگی بین هوش زبانی و هوش هیجانی  $r=0/22$  در سطح  $p=0/001$  معنی‌دار می‌باشد که با نتایج پژوهش شرر (۲۰۰۶) همخوان می‌باشد. استفاده از کلام و زبان برای بیان و درک معانی پیچیده و حساسیت به معنای کلمات، نظم واژه‌ها و صداها برای منعکس کردن احساسات در زندگی روزمره منجر به تقویت رابطه‌ی بین هوش موسیقایی و هوش هیجانی می‌شود. هم‌چنین، استفاده از واژه‌ها برای بیان اهداف و مذاکره و اقناع افراد به تقویت این رابطه کمک می‌کند.

با توجه به نتایج جدول دو، هم‌بستگی بین هوش میان‌فردی و هوش هیجانی  $r=0/34$  در سطح  $p=0/001$  معنی‌دار می‌باشد که با نتایج پژوهش شرر (۲۰۰۶) همخوان می‌باشد. از آن‌جا که هوش میان‌فردی منجر به درک افراد دیگر، همدلی و به رسمیت شناختن تفاوت‌ها در بین افراد می‌شود و افراد با استفاده از این هوش می‌توانند بر دیگران اثرگذار باشند و به‌طور مؤثر با دیگران ارتباط برقرار سازند، منجر به تقویت ارتباط بین هوش میان‌فردی و هوش هیجانی می‌گردد. در این پژوهش، رابطه‌ی بین هوش درون‌فردی و هوش هیجانی تأیید می‌شود.

با توجه به نتایج جدول دو، هم‌بستگی بین هوش درون‌فردی و هوش هیجانی  $r=-0/15$  در سطح  $p=0/029$  معنی‌دار می‌باشد. این یافته با نتیجه‌ی پژوهش شرر (۲۰۰۶)، همخوان می‌باشد. این هوش برای درک خود، تأمل و نظارت بر افکار و احساسات خود و تنظیم آن‌ها، آگاهی از نقاط قوت و ضعف و برای برنامه‌ریزی مؤثر برای رسیدن به اهداف شخصی است. این هوش توانایی نظارت بر خود در روابط میان‌فردی را دارا می‌باشد. این هوش توانایی ایجاد رابطه با هوش هیجانی را دارا می‌باشد ولی از آن‌جا که این هوش بیش‌تر در مورد خود فرد می‌باشد دارای رابطه در جهت منفی با هوش هیجانی می‌باشد.

با توجه به نتایج جدول دو، هم‌بستگی بین هوش طبیعت‌گرایانه و هوش هیجانی  $r=0/13$  در سطح  $p=0/062$  معنی‌دار نمی‌باشد که با نتیجه‌ی پژوهش شرر (۲۰۰۶)، ناهمخوان می‌باشد. هوش طبیعت‌گرایانه در رابطه با درک جهان طبیعی و روابط زیست‌محیطی و تعامل با موجودات زنده کاربرد دارد. این هوش در ایجاد رابطه در هوش هیجانی کمک چندانی نمی‌کند.

با توجه به نتایج جدول سه، همان گونه که انتظار می رفت، هوش میان فردی بیشترین سهم را در پیش بینی هوش هیجانی دارد. این هوش با توانایی ایجاد ارتباط با دیگران و کنترل و درک احساسات افراد، یک پیشاینده مهم برای هوش هیجانی محسوب می شود. هوش بدنی با توانایی درگیر کردن افراد دیگر در فعالیت های ورزشی، دارای نقشی مهم در هوش هیجانی است. بعد از هوش بدنی، هوش درون فردی بیشترین سهم را در پیش بینی هوش هیجانی دارد. هوش درون فردی نیز با توانایی پیش بینی بالای هوش هیجانی و این که یکی دیگر از ابعاد هوش هیجانی می باشد، این توانایی را به فرد می بخشد که در مورد خود به شناخت برسد و از این طریق با شرایط محیط انطباق یابد، سهم بسزایی در پیش بینی هوش هیجانی دارد.

مقدار بالای توانایی هوش میان فردی و درون فردی در پیش بینی هوش هیجانی، نشان دهنده توانایی مدیریت احساسات خود و درک مهارت های اجتماعی در روابط با دیگران است. هیجان ها از روابط میان فردی و درون فردی جدایی ناپذیرند. هیجان ها در ایجاد، حفظ و حل روابط میان فردی و درون فردی نقش مهمی دارند. کسانی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، اعتماد به نفس بیشتری دارند، از توانایی های خود آگاهند و از رضایت از زندگی و شادکامی بالاتری برخوردارند. آن ها نه تنها در روابط فردی و ارتباطات اجتماعی نقش مثبتی دارند، بلکه در تنظیم روابط زناشویی و خانوادگی عملکرد پویا و فعالی دارند. در گام بعدی، هوش زبانی بیشترین توانایی پیش بینی هوش هیجانی را دارا می باشد. مهارت های زبانی فرد را در روابط خود قاطع تر و احساسات او را قابل قبول تر می سازد. همچنین، مهارت های زبانی برای بیان احساسات از طریق قدرت شعر، داستان و ارتباطات اجتماعی به افراد کمک می کند. افرادی که توانایی شناخت احساس های خود را دارند و حالت های هیجانی خود را به گونه ای مؤثر ابراز می کنند، بهتر می توانند با مشکلات زندگی روبه رو شوند و در روابط با محیط و دیگران موفق ترند. در آخرین رده، هوش فضایی پیش بینی کننده ی هوش هیجانی می باشد. با توجه به نتایج رگرسیون گام به گام هوش های ریاضی، موسیقایی و طبیعت گرایانه سهمی در پیش بینی هوش هیجانی ندارند. با توجه به نمونه ی مورد مطالعه که

شامل دانش‌آموزان می‌شود این نتیجه حاصل گردید، که ممکن است در نمونه‌ی دیگری نتیجه‌ی دیگری به دست آید.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که تنها ابزار مورد استفاده در این پژوهش مقیاس خودگزارشی بوده است. هم‌چنین، پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه بسیار ناچیز می‌باشد. پیشنهاد می‌شود که این پژوهش با نمونه‌های دیگر و در گروه‌ها و فرهنگ‌های مختلف انجام گیرد. مفهوم هوش هیجانی، نشان‌دهنده‌ی یکی از جنبه‌های هوش میان‌فردی است. توانایی تشخیص احساسات افراد دیگر در درجه‌ی اول تابعی از هوش میان‌فردی است که در ضمن آن مهارت‌های زبانی هم تسهیل می‌یابد. هم‌چنین، هوش درون‌فردی یکی دیگر از جنبه‌های هوش هیجانی است که توانایی مدیریت مشکلات و درک خود را در برمی‌گیرد. می‌توان با آموزش هوش میان‌فردی، هوش بدنی، هوش درون‌فردی، هوش زبانی و هوش فضایی هوش هیجانی افراد را افزایش داد.

## منابع

جوکار، بهرام (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه‌ی هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی. *مجله‌ی روان‌شناسی معاصر*، ۲(۲)، ۳-۱۲.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). *روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش*. تهران: نشر دوران.

Ahmadian, M., & Hosseini, S. (2012). A study of the relationship between Iranian EFL learners' multiple intelligences and their performance on writing. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 3(1), 111-126.

Armstrong, T. (2007). The curriculum superhighway. *Journal of Educational Leadership*, 64(8), 16-20.

Bar-on, R. (2006). The Bar-on model of emotional social intelligence (ESI). *Psicothema*, 18, 13-25.

Beichner, R. A. (2011). *The relationship between students' academic self-efficacy and teachers' multiple intelligences instructional practices*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the

- requirements for the Degree of Doctor of education teacher leadership, Walden University.
- Gardner, H. (1983). *Frames of Mind: The theory of multiple intelligences*. New York: Basic Books.
- Gardner, H. (1993). *Frames of mind: The theory of multiple intelligences*. New York: Basic Books.
- Gardner, H. (1999). Are there additional intelligences? The case for naturalist, spiritual and existential intelligence. In J. Kane (Ed.), *Education, Information and Transformation* (111-131). Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall. Reprinted: *Gifted Education Press Quarterly*, 11(2), 2-5.
- Gardner, H. (2006). *The development and education of the mind*. New York: Press Rutledge.
- Komninou, I. (2010). New pedagogical theories in practice: Multiple intelligences and entwining. Paper published on entwining learning event: multiple intelligences a challenge for entwining. <http://learninglab.net/web/multiple-intelligences-a-challenge-in-entwining/welcome> (CSS).
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). *What is emotional intelligence?* New York: Basic books.
- Pish Ghadam, R., & Moafian, F. (2008). The role of Iranian EFL teachers' multiple intelligences in their success in language teaching at high schools. *Journal of Pazhuhesh-e-Zabanha-ye- Khareji*, 42, 5-22.
- Salovey, P., & Mayer, J. D., (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9, 185-211.
- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D. J., Cooper, C. J., & Dornheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Journal of Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Shearer, C. B. (1996). *Multiple intelligences developmental assessment scales (MIDAS)*. United States of America: Author.
- Shearer, C. B. (2006). Exploring the relationship among the multiple intelligences and emotional intelligence. Unpublished manuscript, Kent State University. Retrieved 6-9-06 from [www.miresearch.org/files/Eqi\\_mi.doc](http://www.miresearch.org/files/Eqi_mi.doc).

- Simmons, S. (2001). Multiple intelligences at the middle level: Models for learning in art and across the disciplines. *Journal of National Art Education Association*, 54, 18-24.
- Waddell, J. T. (2009). Exploratory study of the relationship between servant leadership attribution and the leader's emotional intelligence. *Submitted to Regent University School of Global Leadership & Entrepreneurship in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Organizational Leadership.*